نگاه بیرون

ملک سلمان و ایران

POLITICO

ترجمه: آناهیت روحانی

● در ماه مارس سال۲۰۰۹ میلادی، جان برنان، مشاور ارشد اوباما در امور تروریسم با ملک‌عبدالله در کاخ اختصاصی او ملاقات کرد و به نمایندگی از رییس‌جمهوری آمریکا از او خواست تا با نوری مالکی، نخست‌وزیر وقت عراق، روابط حسنه‌ای ایجاد کند. او در راستای این هدف درخواست کرد ریاض به بغداد، سفیر اعزام کند و نخست‌وزیر عراق را به عربستان دعوت کند. اما ملک‌عبدالله زیر بار این درخواست نرفت چرا که معتقد بود نوری مالکی درهای عراق را روی ایران باز کرده است. براساس سندی موثق از اسناد افشاشده «ویکی‌لیکس» ملک‌عبدالله گفته بود: «من به این مرد اعتماد ندارم، او دست‌نشانده ایرانی‌هاست.»

گفت‌وگوی افشاشده با «برنان» به‌شکل علنی از خصومت عربستان با ایران پرده برداشت. رهبران سعودی مدعی بودند تمامی سیاستمداران شیعه دست‌نشانده ایران هستند و بر هر مشکل امنیتی در منطقه برچسب ارتباط با ایران را می‌چسبانند.

امروز جانشین ملک‌عبدالله، سلمان‌بن عبدالعزیز، همان سیاست پیشین را به میراث برده و کماکان ایران را کشوری با گرایش انقلابی می‌شناسد که در این میان روابط پرتنشی هم با ایالات‌متحده دارد. به‌نظر می‌رسد شاه‌سلمان با وجود حرکت‌های شیعی در مرزهای جنوبی خود با یمن، در معرض خطر بیشتری باشد. هرچند تهران حمایت خود از حوثی‌ها را به‌صراحت حمایت از حزب‌الله لبنان ابراز نمی‌کند اما پرواضح است که سعودی‌ها از این بابت بسیار نگرانند. آنچه مسلم است اینکه شاه‌سلمان نیز به‌اندازه برادر ناتنی خود روی چالشی که از جانب ایران متوجه عربستان است متمرکز است. او در ملاقاتی که بیش از یک‌هفته پیش با شش‌سناتور آمریکایی داشت بر آنچه «خطرات ایران هسته‌ای» می‌نامید تاکید کرد. او ساعتی پس از روی‌کارآمدن در تلویزیون ملی این کشور خطاب به ملت خود گفت: «ما همچنان در مسیر صحیح و همیشگی سابق گام برخواهیم داشت و اتحاد ملت‌های عرب از واجبات است.»

و این به این معناست که صرف‌نظر از سیاست‌های اتخاذی آمریکا در قبال ریاض یا توافق هسته‌ای ایران و ایالات‌متحده، عربستان همچنان رقابت با ایران را دنبال خواهد کرد. اینک تنها کورسوی امید بهبود روابط این دوکشور یک امر است و آن اینکه داعش برای منافع هر دو این کشورها مضر است. با استناد به این نکته، آمریکا و سیاستگذاران غربی شاید بتوانند با تشویق سران این کشورها به اتحاد علیه داعش، قدری از تنش میان ایران و عربستان بکاهند. تهران و ریاض می‌بایست بپذیرند که هم‌اکنون پای منافع مشترکشان در تقابل با داعش در میان است و این به مفهوم غلبه بر دهه‌های متوالی رقابت و بی‌اعتمادی است.

ادامه از صفحه ۳

ظرفیت بالای «مذاکره و همکاری» در روابط بین‌الملل

که در این صورت، همچنان‌که همین فرض رخ داد، دیگر افکارعمومی جهان، حتی افکارعمومی در خود آرژانتین نیز به راحتی قبل، فریب تبلیغات هدایت‌شده علیه ایران را نخورده و اتهامات مطرح‌شده را با سوالات و تردیدهای جدی می‌نگرد و به اصطلاح، «کاسه» از پیش محکوم‌دانستن ایران در این وقایع تروریستی «ترک برداشته است».مساله آمیا و اتهامات تروریستی علیه ایران، البته در قیاس با ابعاد و عمق پرونده هسته‌ای به مراتب کوچک‌تر است. اما همین منطق فوق، به‌نوعی درخصوص مذاکرات هسته‌ای نیز جاری‌وساری است. دولت کنونی آمریکا، اگر شده حتی در ظاهر، ادعای آن را داشت که از سیاست‌های میلیتاریستی دولت بوش تبعیت نمی‌کند و نشانه‌هایی مبنی بر آمادگی ظاهری برای پذیرش جایگاه ایران و نظام جمهوری‌اسلامی را آشکار ساخته بود. در چنین شرایطی، برای جمهوری‌اسلامی که خود بیش از همه به فتوای رهبری در مورد حرمت سلاح‌های هسته‌ای ایمان داشته و از پاک‌دستی خویش مطمئن است، ورود جدی به مذاکرات هسته‌ای و پذیرش قرارومدارهایی با رعایت اصول برای حل‌وفصل این پرونده، قطعا چیزی جز خیر و صلاح به دنبال ندارد. به یاری خداوند، اگر وفاق، سعه‌صدر و همدلی در کشورمان جاری باشد، همانند همان وفاق و همبستگی‌ای که در زمان مذاکرات و تفاهمنامه منعقد شده با آرژانتین در کشور به منصه‌ظهور رسید، جمهوری‌اسلامی ایران نشان می‌دهد که در مذاکرات صادق و جدی و آماده است در صورت نیل به توافق، آن را با جدیت، شفافیت و حسن‌نیت اجرا کند تا پاک‌دستی ایران به همه اثبات شود. در این میان، اگر به‌هرصورت، با نقش‌آفرینی بازیگران متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی که خواستار به‌نتیجه‌نرسیدن این فرآیند هستند، گامی در جهت ناکام‌ماندن این ابتکار از سوی طرف مقابل (کنگره یا هر مرجع دیگر) برداشته شود، نتیجه این خواهد بود که حنای کسانی‌که ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی جلوه داده بودند، بیش از گذشته بی‌رنگ خواهد شد و ایران در قامت یک بازیگر متعهد و مسوول در نظام بین‌الملل ظهور کرده و فضا برای تعامل با دولت‌ها و ملت‌ها بازتر و مهیاتر خواهد بود.

پس از اوباما

چرا روسای جمهور ایران و آمریکا از فرصت تاریخی برای حل مساله هسته‌ای سخن می‌گویند

نزهت امیرآبادیان

عکس: Reuters

به پایان ریاست‌جمهوری باراک اوباما، رییس‌جمهوری دموکرات، سیاه‌پوست و مسلمان‌زاده آمریکا، کمتر از دوسال باقی مانده است؛ مردی که انتخابش به‌عنوان رییس‌جمهوری در کشوری با سابقه طولانی نژادپرستی، نماد تغییری بزرگ بود. ظاهرا این رییس‌جمهوری متفاوت، قصد دارد در آخرین ماه‌های ریاست‌جمهوری از خود میراثی نمادین در سیاست خارجی برجای بگذارد. اوباما عملا یک‌تنه در مقابل اکثریت جمهوری‌خواه کنگره و حتی تعدادی از دموکرات‌های همسو با آنها ایستاده تا بتواند مذاکرات هسته‌ای با ایران را به نتیجه برساند؛ اما نوامبر۲۰۱۶ که از راه برسد، اوباما و خانواده‌اش کاخ سفید را ترک می‌کنند و مرکز تصمیم‌گیری‌های آمریکا، به سکانداری جدید واگذار می‌شود. باتوجه به سابقه تاریخی انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا، به احتمال زیاد، رییس‌جمهوری‌آینده، از حزب جمهوری‌خواه باشد.

بسیاری از رسانه‌های آمریکایی در ماه‌های اخیر از قدرت‌گرفتن تندروهای جنگ‌طلب در حزب جمهوری‌خواه و تندشدن مواضع دموکرات‌ها نوشته‌اند. «آسوشیتدپرس» چندی‌پیش در گزارشی نوشت که جنگ‌طلب‌ها به‌تازگی از نفوذ روبه‌رشدی در درون حزب جمهوری‌خواه برخوردار شده‌اند و موضوع سیاست خارجی به یکی از موضوعات مهم در عرصه رقابت‌های اولیه برای مشخص‌شدن نامزدهای احتمالی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال۲۰۱۶ آمریکا تبدیل شده است؛ تا جایی‌که اعضای کلیدی حزب جمهوری‌خواه همانند «جان مک‌کین» در کنفرانسی با عنوان «جهان در بحران: نیاز به رهبری آمریکا» شرکت کرده و در این خصوص، سخنرانی کرده‌اند.

میراث نفتی خانواده «بوش»

درحال‌حاضر مهم‌ترین نامزدهای جمهوری‌خواه برای انتخابات آینده آمریکا «جب بوش» و «میت رامنی» هستند. اغلب مردم، مواضع جنگ‌طلبانه میت رامنی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین و در رقابت با اوباما را به‌خاطر دارند. پدر و برادر «جب بوش» به‌عنوان چهل‌ویکمین و چهل‌وسومین رییس‌جمهوری آمریکا نیز پیش‌تر چهره جنگ‌طلبانه‌ای از آمریکا به نمایش گذاشته‌اند. او چهارمین‌فرد از خانواده بوش است که بعد از پدرش «جورج هربرت واکر»، برادرش «جورج دبلیو» و پدربزرگش «پریسکوت بوش» که سناتور جمهوری‌خواه از ایالت کنتیکت بود؛ به‌دنبال رسیدن به مقام ریاست‌جمهوری آمریکاست. جب بوش اخیرا در سخنانی که در جمع آمریکایی‌های کوبایی‌تبار در میامی ایراد کرد، گفت: «آمریکا باید نقش رهبری خود را در جهان ادامه دهد. آمریکا باید در این رهبری، خضوع و احترام، پیشه کند. ما در جامعه موسوم به جامعه ملل، شریکی یکسان با دیگران نیستیم. ما در میان هم‌ترازان خود، نقش رهبری داریم.»پیروزشدن جب بوش در انتخابات بعدی آمریکا می‌تواند بدترین اتفاق ممکن باشد. خانواده بوش از گذشته، از طریق ارتباط با سیا، ارسال تسلیحات، اتخاذ خط‌مشی‌های جنگ‌طلبانه و ارتباطات مالی شخصی، با مسایل خاورمیانه پیوند دارند. در اوایل سال۱۹۶۴، جورج هربرت واکر بوش (بوش پدر) از ایالت تگزاس، به‌عنوان سناتور به مجلس سنای‌آمریکا راه پیدا کرد. در همان موقع او توسط رالف یاربروف، نامزد حزب دموکرات به‌عنوان «مزدور شیخ کویت خوانده شد» زیرا شریک او در کویت مشغول حفاری چاه‌های نفت بود. پس از گذشت پنج‌دهه از آن زمان، بوش‌ها به‌عنوان اولین خاندان سیاسی آمریکا که کاملا خودشان را به خانواده‌های سلطنتی و پول نفت خاورمیانه پیوند داده‌اند، شناخته می‌شوند. جورج بوش پدر، اولین مدیر سازمان جاسوسی سیا بود که نفع و درآمد اصلی‌اش، از صنعت نفت بود. بر کسی پوشیده نیست که عربستان‌سعودی و خانواده‌های سلطنتی حوزه خلیج‌فارس، ایران را رقیب استراتژیک خود می‌دانند و حساسیت زیادی نسبت به پرونده هسته‌ای ایران دارند. البته با نگاهی بسیار خوش‌بینانه می‌توانیم احتمال بدهیم که بازهم یک‌رییس‌جمهور دموکرات به کاخ سفید راه یابد. مهم‌ترین نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده آمریکا، هیلاری کلینتون است. روزنامه «نیویورک پست» چندروزپیش نیز در تحلیلی در مورد هیلاری کلینتون، نامزد اصلی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده آمریکا، نوشت: قطعا هیلاری کلینتون مانند اوباما عمل نخواهد کرد؛ اگرچه او درحال‌حاضر از مواضع اوباما حمایت کرده و گفته است که تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران، یک خطای استراتژیک بسیارمهم است؛ اما همه می‌دانند کلینتون در مورد پرونده هسته‌ای ایران بسیار تندتر از اوباما برخورد خواهد کرد.

فرصت بی‌نظیر تاریخی

طی چندماه اخیر، بارها عبارت «فرصت تاریخی» را از زبان سیاستمداران و تحلیلگران درگیر با پرونده هسته‌ای ایران شنیده‌ایم. اوایل مهرماه امسال حسن‌روحانی، رییس‌جمهوری، در مصاحبه با «فرید ذکریا»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر آمریکایی، در مورد دور اخیر مذاکرات هسته‌ای گفت: «همه باید از فرصت تاریخی مذاکرات هسته‌ای به‌خوبی بهره ببریم.» ۲۶تیرماه هم محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، در گفت‌وگویی با «کریستین امانپور»، مجری شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان، مذاکرات اتمی تهران با قدرت‌های جهانی را «فرصتی تاریخی» برای حل این مناقشه نامید. ظریف در گفت‌وگو با این خبرنگار گفت: «مذاکرات میان ایران و شش‌کشور غربی درباره برنامه هسته‌ای، فرصتی تاریخی برای همه ما به منظور پایان‌دادن به فصلی بسیار طولانی است که در آن برای حل‌نشدن مسایل تلاش می‌کردیم.»استفاده از این عبارت کلیدی، تنها مختص سیاستمداران ایرانی نیست، اواخر مهرماه، جان کری، وزیر خارجه آمریکا که به برلین سفر کرده بود، در دیدار با صدراعظم آلمان تاکید کرد که اکنون «فرصت تاریخی» برای توافق جامع وجود دارد. وزیر خارجه آمریکا با تشکر از مواضع برلین در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران گفت: «آلمان شریک حیاتی ما در مذاکرات ۱+۵ است؛ من و وزیر خارجه آلمان روز گذشته به تفصیل درباره اینکه چطور بتوانیم قدر این فرصت تاریخی را دانسته و ضمن کاهش تنش‌ها، به جهان ثابت کنیم که ما می‌توانیم به سمت یک جهان بدون سلاح هسته‌ای حرکت کنیم، صحبت کردیم»تازه‌ترین مورد استفاده از این عبارت، یادداشت وزیران خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس خطاب به کنگره آمریکا بود. در این نامه که روز دوم‌بهمن در روزنامه «واشنگتن‌پست» منتشر شد، وزیران خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس و مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از کنگره آمریکا خواستند که از تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران خودداری کند. «لوران‌فابیوس»، «فیلیپ هاموند»، «فرانک والتراشتاین مایر» و «فدریکا موگرینی» در این یادداشت نوشتند: «ما فرصتی تاریخی داریم که شاید هرگز تکرار نشود. در حالی که نگاه جهان به ماست، باید تعهد خود را به دیپلماسی نشان دهیم تا تلاش کنیم مساله اتمی ایران را در مهلت تعیین‌شده از میان برداریم. این مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به راه‌حلی فراگیر و ممتد است که می‌تواند جهان و منطقه را امن‌تر کند.»

لابی ضد ایران در کاپیتول هیل

گذشته از تغییراتی که پس از پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال۹۲ در سیاست داخلی ایجاد شد، نشانه‌های زیادی وجود دارد مبنی‌براینکه سیاست‌های ایالات‌متحده‌آمریکا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین طرف‌های مذاکره‌کننده با ایران درحال تغییراتی عمده است و امکان آن وجود دارد که در سال آینده حتی احتمال تامل و توافق منتفی شود.

موسسه تحقیقاتی «نیشن» با انتشار گزارشی تحقیقی از فعالیت گسترده اتاق‌های فکر نومحافظه‌کاران و دریافت میلیون‌هادلار از ثروتمندان آمریکایی خبر داد که از طریق بازی در سیاست به‌دنبال کسب نفوذ هستند و اغلب وابستگی‌های مشخصی به اسراییل دارند. «نیشن» در این گزارش با اشاره به کنفرانس‌های نه چندان علنی و دعوت از میهمان‌های مشخص، اطلاعات مهمی ارایه می‌دهد. در بخشی از این گزارش می‌خوانیم: در زیرزمین شیک هتل ماندارین در واشنگتن در یک‌روز خوش آب‌وهوای بهاری، میهمانان مهمی شرکت داشتند. میزبان این کنفرانس بنیاد دفاع از دموکراسی، مهم‌ترین اتاق فکر نومحافظه‌کاران بود.

در این کنفرانس حامیان مالی، پشتیبانان، رسانه‌ها و سایر اشخاص ذی‌نفع وابسته به نومحافظه‌کاران حضور داشتند و تعدادی از تندروترین جنگ‌طلب‌ها برای اعمال تحریم‌ها علیه ایران جایزه دریافت کردند. دابوویتز، رییس بنیاد دفاع از دموکراسی مارک که معمار بسیاری از تحریم‌ها علیه ایران است جزو تشویق‌شدگان بود.

از زمانی که حسن روحانی رییس‌جمهوری میانه‌رو در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران برنده شد، دولت اوباما گفت‌وگوهای دیپلماتیک فشرده‌ای را با هدف محدودیت دایمی در برنامه هسته‌ای ایران آغاز کرد. گفت‌وگوها بیشتر از آنکه انتظار می‌رفت، پیشرفت کرد و به یک‌توافق موقت در ماه نوامبر منجر شد.

در کاپیتول هیل، اگرچه دیپلماسی باعث کم‌شدن تاثیر رژه تندروهای مخالف شد اما این تشکیلات برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای به شکست‌کشاندن گفت‌وگوهای هسته‌ای با ایران انجام دادند.

پولدارهای جنگ‌طلب

در راهروهای قدرت واشنگتن؛ کنگره آمریکا بیشترین تمرکز را روی برنامه هسته‌ای ایران دارد و به شک و تردیدها در مورد توافق هسته‌ای دامن می‌زنند اما به نوشته «نیشن»، اعضای کنگره به‌خودی‌خود چنین تفکری ندارند و این تفکر از طریق تعدادی از سازمان‌ها مخصوصا «بنیاد دفاع از دموکراسی»، کمیته روابط آمریکا و اسراییل «آیپک» و موسسه «اینترپرایز» القا می‌شود. در طول دهه گذشته شبکه حامیان جنگ‌طلبان به طرزی باورنکردنی گسترش یافته و اکنون گروه‌های تندرو در کنگره آمریکا صدای قدرتمندی دارند. در رینگ بوکس واشنگتن، مقایسه بودجه گروه‌های مخالف دیپلماسی با گروه‌های حامی دیپلماسی قابل مقایسه نیست؛ برای مثال چهار گروه طرفدار دیپلماسی؛ مرکز امنیت جدید آمریکا، شورای ملی ایرانیان آمریکا، انجمن ایرانیان آمریکا و انجمن اسلامی آمریکا؛ در واشنگتن بودجه‌ای حدود ۹/۴میلیون‌دلار دارند. براساس پرونده‌های مالیاتی، دوگروه تندرو «بنیاد دفاع از دموکراسی» و کمیته روابط آمریکا و اسراییل «آیپک» یک بودجه ترکیبی حدود ۷۵میلیون‌دلار دارند.

البته این شامل بودجه سالانه شعبه جدید «آیپک» نمی‌شود. بودجه موسسه سیاست‌های شرق نزدیک ۸/۷میلیون دلار و گروه‌های سلطه‌جوی «پی آر» مانند یگان مقابله با ایران هسته‌ای ۱/۶میلیون‌دلار بودجه سالانه است و سخنگویان ثابتی در رسانه‌های ملی آمریکا دارند. نتیجه اینکه در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا که اواخر سال میلادی گذشته برگزار شد، جمهوری‌خواهان توانستند پیروزی قاطعی به‌دست آورند. از سوی دیگر موضع‌گیری‌های تند تعدادی از سناتورهای حزب دموکرات که در همسویی کامل با جمهوری‌خواهان هستند، باعث شد روزنامه «نیویورک‌پست» در تحلیلی از انقلاب دموکرات‌های آمریکا در برابر دولت بنویسد. در آخرین جلسه حضور رییس‌جمهوری آمریکا در کنگره، برای ایراد نطق سالانه، رابرت منندز، سناتور دموکرات به‌طور غیرقابل باوری رییس‌جمهوری آمریکا را سرزنش کرد و به اوباما گفت که سرفصل‌های سخنرانی خود را به‌طور مستقیم از تهران گرفته است. روزنامه «نیویورک‌تایمز» نیز در سرمقاله دو روزپیش خود، به بخش دیگری از اختلافات میان قوه قانون‌گذاری و اجرایی آمریکا اشاره کرد و نوشت: به‌طور معمول سفر یک رهبر جهان به آمریکا باید به دعوت کاخ سفید باشد.

اما به‌دلیل شکاف ایجادشده در سیاست‌های خارجی ایالات‌متحده، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسراییل به دعوت کنگره آمریکا و برای به چالش کشیدن رویکرد اوباما درمورد توافق هسته‌ای با ایران، قرار است به این کشور سفر کند؛ دعوتی که باعث موضع‌گیری‌های تندی میان دولت و کنگره آمریکا شد. با درنظرگرفتن تمامی نکات گفته‌شده، استفاده از عبارت «فرصت تاریخی» توسط سیاستمداران، ملموس و قابل درک می‌شود. در واقع با حضور اکثریت جمهوری‌خواه در کنگره آمریکا و همسویی بخشی از دموکرات‌ها و فشار شدیدی که بر دولت اوباما برای توافق با ایران وجود دارد، همچنان امضای توافق نهایی در «فرصت باقی‌مانده» دولت اوباما ممکن به‌نظر می‌رسد اما پس از آن به «رویایی دست‌نیافتنی» یا شاید «کابوسی دهشتناک» تبدیل خواهد شد.

ادامه از صفحه ۵

سال سقوط نفت

این نکته را باید موردتوجه قرار داد که به‌دلیل ویژگی منحنی تقاضای نفت‌خام و کشش قیمتی تقاضای قیمت نفت‌خام، نوسانات قیمت در بازار نفت بسیار شدید است. این ویژگی به این دلیل است که منحنی تقاضای نفت‌خام تقریبا عمودی است. این به این معنی است که یک اضافه عرضه کوچک می‌تواند منجر به یک سقوط شدید و یک کاهش عرضه می‌تواند به یک افزایش قیمت شدید منجر شود. شما در یک کالای معمولی برای اینکه بخواهید قیمت را ۱۰درصد کاهش دهید ممکن است ۱۰درصد اضافه عرضه کافی باشد اما در بازار نفت‌خام که حجمی حدود ۹۰میلیون‌بشکه‌ای دارد، دومیلیون اضافه عرضه سبب چنین سقوط قیمتی در بازار شده است. ممکن است در یک اجلاس اوپک، تصمیم کاهش این میزان از تولید گرفته شود. بنابراین اگر عربستان تحت فشار آمریکا تولید خود را کاهش دهد یا اینکه یکی از صادرکنندگان نفت دچار مشکل شود، روند قیمت‌ها به آسانی باز خواهد گشت. پیش‌بینی بازار نفت کار دشواری است به این خاطر که اولا عوامل تاثیرگذار بر نفت به‌عنوان یک کالای اقتصادی بسیار زیادند و ثانیا اینکه به اعتقاد من نفت به‌هیچ‌عنوان کالایی اقتصادی نیست و کشورها به آن نگاه استراتژیک دارند. در هرصورت باید این را بدانیم که سال۹۴، سال قیمت‌های بالای نفت نخواهد بود. مطلب دیگری که مطرح می‌شود این است که می‌گویند عربستان‌سعودی می‌خواهد با کاهش قیمت نفت جلو اقتصادی‌شدن نفت شیل آمریکا را بگیرد. من این را قبول ندارم. روند سیاست‌های انرژی کشورهای صنعتی که موجب کاهش تقاضای نفت اوپک از سال۱۹۸۰ به‌بعد شد، از سال۱۹۷۵ شروع شده بود. عربستان وقتی به فکر سهم بازار اوپک افتاد که سیاست سرمایه‌گذاری روی نفت غیراوپک و دریای شمال پیش رفته بود. از سال۲۰۰۴ قیمت نفت بالا بوده و سرمایه‌گذاری زیادی روی نفت و گاز شیل انجام شده است. همین الان بیش از هزارو۶۰۰دکل حفاری در آمریکا ساخته شده و زیرساخت‌های این نوع تولید فراهم هستند. اگر عربستان می‌خواست منابع جدید نفت را از رده خارج کند باید سیاست پایین‌آوردن قیمت نفت را از سال۲۰۰۵ اجرا می‌کرد. در عین حال باید به این نکته توجه داشت که روندهایی که در منطقه پیش می‌رود برای عربستان به‌شدت نگران‌کننده است و ممکن است این کشور برای تحت‌فشارقراردادن رقبای منطقه‌ای دست به این کار زده باشد اما احتمال تبانی آمریکا و عربستان برای فشار بر روسیه بیشتر است.